

ساجد برجام در دانشگاه تهران مطرح شد

پیچیده‌تری وضع شد



می‌شد که این میزان در دوران تحریم به ۱۷ میلیارد دلار و متأسفانه در دوران برجام به ۱۵ میلیارد دلار رسیده است. این نشان می‌دهد که برجام از لحاظ مالی هیچ گشایشی برای کشور نداشته است.» در مقابل نیز محسنی می‌گوید: «برای پیروزی بر آمریکا به عنوان ابرقدرت اقتصادی دنیا که اقتصادش ۵۰ برابر ایران است، نیازمند جنگ‌های پارتیزانی هستیم. طبیعتاً آمریکا در دوره جدید تحریم‌های هوشمندانه‌تری را علیه کشورمان وضع خواهد کرد.» در ادامه متن کامل صحبت‌های آنها در این برنامه در ذیل آمده است:

در بخش پایانی این برنامه، نوبت به سوال و جواب دانشجویان دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران رسید.

شاگردی در پاسخ به سوال یکی از دانشجویان مبنی بر اینکه در گذشته ما نفت را می‌فر و ختیم و لی نمی‌توانستیم پول آن را دریافت کنیم، حال اگر در تحریم‌های جدید اجازه فروش نفت را هم نداشته باشیم باید چه کاری انجام دهیم، گفت: «آمریکایی‌ها نمی‌توانند در بحث تسویه هر کاری انجام دهند و در حوزه نفت نیز متخصصان معتقدند امروزه راهکارهای بیشتری نسبت به گذشته در اختیار داریم و متعقد در بحث تسویه وضع‌مان از گذشته بهتر است البته اگر بخواهیم از آن استفاده کنیم.» او در پاسخ به سوال دیگری درباره جایگزینی سوئیت گفت: «نباید فراموش کرد که برای اقتصاد اول دنیا هیچ کاری نشدنی نیست و برای اطلاعات گرفتن از سوئیت، آمریکایی‌ها هزینه کردند، ولی اگر الان بخواهند برای انتقالات درون‌بانکی یک بانک نیز خط کش تعیین کنند، باید داخل آن بانک بنشینند، قطعاً این کار شدنی است ولی اینکه هزینه آن چقدر می‌شود، مهم است. به عبارت دیگر آمریکایی‌ها می‌توانند به ما فشار بیاورند و تا الان نیز این مهم بدون هزینه بوده، ولی ما باید کاری کنیم که در آینده این کار آنها برایشان هزینه داشته باشد.»

این پژوهشگر اقتصادی ادامه داد: «ما در سال ۱۳۹۰ از سیستم رسمی دبی اخراج کردند و ما بعد از آن به صرافی‌های دبی رفتیم و اول ژانویه نیز صرافی‌های این کشور ما را به حالت فریز بردند و بعد از آن با قاطر به سلیمانیه و از آنجا حواله دبی کردیم. ما همان کار قبلی را ادامه می‌دهیم، هر چند نمی‌توان نقشه‌آرزی را به یک باره کند و در جای دیگر نصب کرد، ولی باید بپذیریم که کار محسوسی نیز در این باره انجام نمی‌دهیم، هر چند واقعیت این است که در سال‌های ۱۳۹۱ کارهایی انجام دادیم که در حوزه خودش جواب هم داده است و شبکه‌های پوششی که از آن استفاده کردیم در حقیقت راه‌حلی برای گروه‌ها و حزب‌هاست نه یک دولتی که وظیفه اجتماعی دارد، ولی از آن هم جواب گرفته‌ایم و از طرف دیگر استفاده درست از اتاق معادلات و تخصیص درست از ارزهای آن زمان و اعتماد به سیستم بانکی و بالا بردن نرخ سود از ۱۸ به ۲۰

که از چرخه دلار حذف شود ولی در تحریم کادسا شرایط به این گونه شده که آن شخص خودش جزء اس‌دی‌ان لیست می‌شود و بعد از آن هر کسی که با او همکاری کند، از چرخه دلار حذف می‌شود، حال کدام اروپایی حاضر است با چنین تحریمی کار کند؟ شاید عده‌ای بگویند که اصلاً با بانک مرکزی کشورهای دیگر فعالیت می‌کنند ولی امروزه که سیستم بانک مرکزی ما با اروپا به سختی می‌چرخد و با همه تلاش‌هایی که انجام دهیم تنها ۲۰ درصد کارها به صورت بانکی انجام می‌شود و مابقی از طریق صرافی‌ها صورت می‌گیرد و این نیز تنها به دلیل اس‌دی‌ان لیست است، از این‌رو باید بگوییم که اروپایی‌ها نمی‌توانند با ما همکاری کنند و بافت مستقلاً برای خدمت‌رسانی اقتصادی به ما ندارند، با این حال شب خروج آمریکا از برجام، رئیس‌جمهور می‌گوید باید ببینیم که با اروپا به چه نتیجه‌ای می‌رسیم؟ ولی چینی‌ها توانایی چنین کاری را دارند و اگر امروز درباره معامله با چین صحبت می‌کنیم، برای این است که ما بعد از برجام با این کشور تعاملات‌مان را افزایش ندادیم، از سوی دیگر امروزه شرایط دنیا عوض شده و حتی کشوری مانند روسیه که تحریم است نیز می‌تواند به ما کمک کند. به عبارت دیگر از لحاظ فنی اروپایی‌ها اصلاً نمی‌توانند خدمات مستقل از مجوزهای دوره‌ای آمریکا را ارائه دهند، شدنی نیست و اگر می‌گوییم با چین یا روسیه کار کنیم، به معنای انحصار در آنها نیست بلکه انتقال نقاط تسویه به این کشورهاست.

ما تا ابد زمان نداریم، چرا که در کشورمان نرخ بیکاری جوانان بالاست و نرخ تشکیل سرمایه ثابتش چندین سال است منفی مانده و ما ناچار به پیدا کردن راه داخلی برای تشکیل این سرمایه ثابت هستیم و نسبت به سه سال گذشته تحریم‌های آمریکا به مراتب هوشمندانه‌تر است و امروز سوئیت بال‌های ارزی، FATF بال‌های ریالی و حساسیتی نیز فعالیت‌های شرکت‌هایمان را کنترل می‌کنند و این سه ابزار باعث می‌شود آمریکا تحریم‌های هوشمندانه‌تری علیه ما وضع کند، ولی ما هنوز راه‌های مختلفی مانند چین، روسیه و... را در اختیار داریم. ما امروزه از لحاظ جهانی دست‌مان بسیار بازتر از گذشته ولی وقت‌مان بسیار محدود است و اگر بخواهیم بند ۳۶ برجام را اجرایی کنیم، امروز وقت آن است و تا چهار ماه دیگر سیب افکار عمومی هزار چرخ می‌خورد و شاید دیگر نتوانیم از این ابزار استفاده کنیم.



می‌شود که ازجمله آن نقش چین در دنیا خواهد بود، گفت: «اولاً که ۱۰ یا ۱۵ سال زمان کمی است و همین امروز نیز چین جزء جایگاه دوم اقتصادی دنیاست ولی ذخایر ارزی چین یک درصد در دنیاست اما آمریکا ۶۵ درصد ذخایر ارزی دنیا را در اختیار دارد و این هژمونی را به راحتی از دست نمی‌دهد، هر چند که چین قوی‌تر شده و فاصله‌اش با آمریکا کمتر خواهد شد و حتی در بسیاری از زمینه‌ها چین از آمریکا جلوتر خواهد بود و بزرگ‌ترین بانک دنیا از لحاظ سرمایه‌ای بانک چینی است ولی با رویه فعلی بیش از ۱۵ سال زمان خواهد برد.»

او در پاسخ به سوال دیگری مبنی بر اینکه اگر جای دولتمردان بودید در برجام باقی می‌ماندید یا از برجام بیرون رفته و حاضر به تحمل تحریم‌های جدید می‌شدید، بیان داشت: «ما از لحاظ قانونی خودمان را وارد بازی‌ای با نظام بین‌الملل کرده‌ایم و در جایگاهی مانند آمریکا نیستیم که بگوییم نظام بین‌الملل برای ما ارزشی ندارد، هر چند که آمریکا می‌تواند زیر قولش بزند ولی ما نباید چنین کاری کنیم و اشتباه اصلی این است که ما زیر بار تعهدات جدید برویم؛ از این‌رو ما باید در این معاهده بمانیم تا زمانی که اروپایی‌ها به صورت صوری در آن باقی مانده‌اند ولی نباید برنامه‌ریزی کشور را براساس آن انجام دهیم؛ چرا که امکان ناپذیر است و براساس قوانین مالی و اقتصادی که در دنیا چیده شده، نمی‌توانیم روی اروپایی‌ها حساب کنیم، ولی باید بمانیم تا وجهه حقوقی خودمان را از دست ندهیم.»

محسنی با بیان اینکه آمریکا در خاورمیانه بازیگر بسیار خوبی به اسم عربستان پیدا کرده است تا به ایران ضربه بزند، اظهار داشت:

«این کشور از گذشته بازیگر خوبی بوده ولی الان بسیار مصمم است به کشورمان ضربه بزند و اگر به مساله قدس هم نگاه کنید، می‌بینید بن‌سلمان عنوان کرد یا تسلیم شوید یا بمیرید و عملاً رویکرد این کشور به سمت رژیم صهیونیستی برگشته و بن‌سلمان نیز حاضر است هر هزینه‌ای را پرداخت کند که در این جنگ منطقه‌ای به کشور ما ضربه وارد کند، از این‌رو باید بگوییم جنس بازی به‌طور کلی تغییر کرده و از سوی دیگر تغییر سیاست ما و پشت کردن به چشم‌بادامی‌ها و استقبال از چشم‌آبی‌ها باعث شد همه تخم‌مرغ‌هایمان را در سبد اروپایی‌ها بگذاریم و با اولین اتفاق با مشکل روبه‌رو شویم.»

عضو هیات‌علمی دانشگاه تهران گفت: «درست است اروپایی‌ها در برجام باقی مانده‌اند و همانند آمریکا از آن خارج نشده‌اند، ولی باید بپذیریم حضور آنها عملاً روی کاغذ است و هیچ کاری برای ما انجام نمی‌دهند و نمی‌توان به آنها دلخوش بود.»

ما از لحاظ قانونی خودمان را وارد بازی‌ای با نظام بین‌الملل کرده‌ایم و در جایگاهی مانند آمریکا نیستیم که بگوییم نظام بین‌الملل برای ما ارزشی ندارد

او در پاسخ به سوال دیگری مبنی بر اینکه از سال ۱۳۶۸ دولت‌ها خودشان می‌خواستند نرخ دلار را افزایش دهند تا مابه‌التفاوت آن را برای جبران کسری‌ها استفاده کنند، اگر این مهم درست است چگونه عنوان می‌شود عوامل خارجی بر قیمت دلار اثرگذار است، تصریح کرد: «معمولاً وقتی در تا کسی‌ها می‌نشینیم می‌گویند که همه چیز دست حکومت است و چون اسفند ماه پولی برای پرداخت حقوق ندارند، نرخ ارز را افزایش می‌دهند؛ در حالی که اصلاً ریال ناشی از افزایش نرخ ارز به جیب دولت نمی‌رود، بلکه دولت نفت را که می‌فروشد، ارز آن به حسابی که از سوی بانک مرکزی معرفی می‌شود، واریز شده و مابه‌ازای آن بانک مرکزی به نرخ بوجه، پول را به دولت می‌دهد و دولت آن از خرج می‌کند و تا دو سال گذشته، ۹۲ درصد ارز فروخته شده توسط بانک مرکزی، ارز مبادله‌ای بوده و سال گذشته شدت مداخله در این حوزه زیاد شد.»

محسنی در همین زمینه افزود: «پول ناشی از فروش نفت به حساب تسویه می‌رود و اصلاً هم این گونه نیست که دولت بگوید از حساب تسویه پولی را در اختیارش بگذارد، بلکه چند سال بعد اگر مجلس شورای اسلامی موافق با دولت باشد، براساس رای گیری دولت می‌تواند مبلغی از این حساب را برای مصرف مشخصی برداشت، درحالی که زمان احمدی‌نژاد، مجلس مصوبه‌ای به دولت او برای برداشت از این حساب نداد ولی دولت روحانی توانست این اجازه را از مجلس بگیرد، هر چند این پول نیز صرف مصارف جاری نشد، بلکه صرف تسویه با بانک‌های دولتی و افزایش سرمایه این بانک‌ها شد.» عضو هیات‌علمی دانشگاه تهران گفت: «رئیس‌جمهور به درستی تصور می‌کند علت حذف احمدی‌نژاد از سپهر سیاسی کشور، افزایش نرخ ارز بوده و برای اینکه او به سرنوشت رئیس‌جمهور قبلی دچار نشود نیز همه کارهای احمدی‌نژاد را انجام می‌دهد، در حالی که بدیهی

شاگردی: ما اگر بخواهیم انتخاب کنیم که حتی به کدام یک از طرفین چین یا اروپا با دهیم، در ابتدا باید هزینه‌فایده کنیم ولی باز معتقدم باج دادن به چین بسیار بهتر از اروپاست چرا که چین قابلیت این را دارد که مستقل از آمریکا رفتار کند، از طرفی نیز این مساله وجود دارد که هر کشوری به دنبال منافع خودش است و آمریکا تا زمانی که ایران، اسرائیل را به رسمیت نشناسد، کوتاه نمی‌آید و نباید فراموش کرد که لابی رژیم صهیونیستی در این کشور بسیار قوی است و اگر می‌گوییم می‌خواهیم با آمریکا مذاکره کنیم به‌خصوص در شرایط کنونی یا بگوییم ما باید عقب‌نشینی کنیم، باید تا پایان این راه را با آمریکا برویم

۶۵ درصد ذخایر ارزی دنیا در اختیار آمریکا است و همین مولفه اجازه می‌دهد این کشور تحریم‌های مالی را با کمترین هزینه‌ای به ایران تحمیل کند

محسنی در پاسخ به سوال دانشجوی دیگری مبنی بر اینکه عده‌ای می‌گویند اگر بتوانیم ۸ تا ۱۰ سال دیگر مقاومت کنیم، اقتصاد دنیا دچار تغییراتی



است اگر بانک مرکزی می‌خواهد در این زمینه مداخله کند، باید از زیر قیمت شروع کند تا نرخ ارز کاهش یابد، به عبارت دیگر اگر نرخ دلار چهار هزار و ۵۰۰ تومان است، نباید از نرخ چهار هزار و ۷۹۹ تومان شروع کرد تا بتوان نرخ ارز را پله به پله شکست، اما بانک مرکزی این گونه عمل نمی‌کند و تنها از بالا فشار می‌آورد که چرا نرخ را کاهش نمی‌دهید؟»

او گفت: «افزایش نرخ ارز در وضعیت فعلی دستاوردی برای دولت ندارد که بخواهد این کار را انجام دهد و از سوی دیگر این دولت شدیداً طرفدار کاهش نرخ ارز است و اگر این شانس را داشت که فردا نرخ ارز را هزار تومان اعلام کند این کار را حتماً انجام می‌داد.»

ما را در سال ۱۳۹۰ از سیستم رسمی دبی اخراج کردند و ما بعد از آن به صرافی‌های دبی رفتیم



شاگردی در پاسخ به سوال دیگری که در گذشته عنوان می‌شد چینی‌ها در دوران تحریم از ما باج می‌خواستند، حال این مساله مطرح می‌شود که آیا در بحث کمک گرفتن از چین با اروپا هزینه‌سنجی صورت گرفته است یا خیر، گفت: «ما اگر بخواهیم انتخاب کنیم که حتی به کدام یک از طرفین چین یا اروپا باج دهیم، در ابتدا باید هزینه‌فایده کنیم ولی باز

معتقدم باج دادن به چین بسیار بهتر از اروپاست چرا که چین قابلیت این را دارد که از طرفی نیز این مساله وجود دارد که هر کشوری به دنبال منافع خودش است و آمریکا تا زمانی که ایران، اسرائیل را به رسمیت نشناسد، کوتاه نمی‌آید و نباید فراموش کرد که لابی رژیم صهیونیستی در این کشور بسیار قوی است و اگر می‌گوییم می‌خواهیم با آمریکا مذاکره کنیم به‌خصوص در شرایط کنونی یا بگوییم ما باید عقب‌نشینی کنیم، باید تا پایان این راه را با آمریکا برویم.»

پژوهشگر اقتصادی تصریح کرد: «اگر یکی از سناتورهای

آمریکا در دوران سناتوری خود حرفی علیه لابی صهیونیست زده باشد، اول باید عذرخواهی می‌کرد و بعد هم استعفا می‌داد، از این‌رو نمی‌توان با آمریکا براساس هزینه و فایده جلود رفت بلکه باید تا پایان راه را رفت.»

محسنی تصریح کرد: «یکی از نکات اصلی درباره همکاری با چین این است که از طریق این کشور بهتر می‌توان با اروپا کار کرد تا اینکه بخواهیم از طریق اروپا با خودشان کار کنیم، در حقیقت اروپایی‌ها در مبادلات جاری نمی‌توانند خدمتی به کشورمان کنند و شاید در کالاهای تکنولوژی و آن هم به صورت پروژه‌های کلان ارزبر بتوانند به ما خدمتی کنند. درحقیقت شانس اینکه اروپایی‌ها در این پروژه‌ها بتوانند از آمریکا مجوز همکاری با ما را بگیرند، بسیار بیشتر از دیگر حوزه‌هاست؛ بنابراین وقتی می‌گوییم همکاری با چین منظورمان به اروپا نیست، بلکه منظورمان اولویت‌بندی کردن در این باره است.»

محسنی در پاسخ به سوالی که چرا کشوری مانند عمان و قطر نمی‌توانند در نقشه ارزی جایگزین دبی شوند، گفت: «در دبی اکوسیستم ایرانی داریم که

میزان تقاضای ریال در دبی را به طرز غیرعادی با میزان تقاضای درهم در تهران مساوی نگه می‌دارد و دیگران قاجاقی ما از آنجا تأمین می‌شود و از سوی دیگر دبی هاب حمل‌ونقل منطقه است و این مسائل در طول سال‌ها ایجاد شده و نمی‌توان به یک‌باره آن را تغییر داد، از سوی دیگر قطر با ایران بازی نمی‌کند، هر چند این کشور کانال ضدعریستانی است، یک کانال آمریکایی است و اصلاً نمی‌خواهد بگوید در پازل کشور ما بازی می‌کند، عمان نیز آخر دنیا است و قطعاً اگر دبی شاهراه است، عمان آخر دنیا محسوب می‌شود و نمی‌توان در آن اکوسیستم ایرانی ایجاد کرد و شرکت‌های اروپایی و چینی که با ما طرف حساب هستند، در این کشور اصلاً حساسی ندارند و اینکه به کشور هند بگوییم پولم را به درهم در دبی شارژ کن، قابل‌تصور است تا اینکه بگوییم پول‌مان را به ریال عمان و در این کشور شارژ کند.»

او در پایان در پاسخ به سوال دیگری مبنی بر اینکه مهم‌ترین منبع اطلاعاتی در حوزه ارز چیست، تصریح کرد: «ما متأسفانه ضعف جدی مستندسازی در این حوزه داریم و یکی از علل آن تغییرات دائمی است که در این حوزه ایجاد می‌شود ولی توصیه‌ام این است که به حرف اقتصاددانانی در حوزه ارز توجه کنید که در عمرش حداقل ۱۰۰ دلار را حواله کرده باشد؛ چرا که بعد از مسائل ارزی تعداد اقتصاد دانانی که در این باره صحبت کردند با تعداد آدمیان برابری می‌کند، ولی بسیاری از آنها هزینه‌ای برای حواله کردن ارز انجام ندهاده‌اند و این مساله بسیار بدی است.»

